نگاه

علاءالدین بروجردی:

فرضیه ربایش سفیر سابق ایران قابل پیگیری است

● سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی تأکید کرد: بر اساس گزارش اعلام‌شده تاکنون ۳۶ زائر ایرانی مفقودالاثر هستند و ۲۹ جسد را نیز دفن کرده‌اند که باید در مورد آن تصمیم‌گیری شود. نوذر شفیعی با اشاره به جلسه فوق‌العاده کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در رابطه با فاجعه منا گفت: صبح روز گذشته ابعاد مختلف فاجعه منا در جلسه فوق‌العاده با حضور آقایان اوحدی، رئیس سازمان حج و زیارت، قشقاوی، معاون کنسولی و امور مجلس وزارت امور خارجه و تعدادی از اعضای بعثه حج مورد بررسی قرار گرفت.

از وقوع فاجعه منا بیش از سه هفته می‌گذرد و تعدادی از زوار ایرانی همچنان مفقود و خانواده‌های آنها بلاتکلیف هستند. روز گذشته رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس تأکید کرد: اگر دولت عربستان نتواند فرضیه شهادت غضنفر رکن‌آبادی را اثبات کند، فرضیه ربایش سفیر سابق جمهوری اسلامی به‌عنوان فرضیه امنیتی قابل پیگیری است. علاءالدین بروجردی در گفت‌وگو با «خانه ملت» با اشاره به نشست فوق‌العاده کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس درباره فاجعه منا با حضور اوحدی و قشقاوی، گفت: گزارشی که در این نشست مطرح شد، مشخص کرد که غضنفر رکن‌آبادی در جریان حادثه منا توسط آمبولانس عربستانی به بیمارستان منتقل شده است. بر اساس شواهد مطرح‌شده توسط شاهدان عینی این ماجرا، ایشان را درحالی‌که در قید حیات بودند، با آمبولانسی به بیمارستان منتقل کردند اما بعد از این ماجرا خبر موثقی از وضعیت او وجود ندارد. وی با بیان اینکه «دولت عربستان در مقابل تمام مفقودان ایرانی مسئول است»، اظهار کرد: با توجه به جایگاه سیاسی رکن‌آبادی در کشور و سابقه او به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی در لبنان، دولت آل‌سعود باید به‌طور ویژه درخصوص وضعیت رکن‌آبادی پاسخ‌گو باشد و مسئولیت را به‌جد بپذیرد.

بروجردی با رد فرضیه شهادت رکن‌آبادی گفت: تا زمانی که دولت عربستان نتواند این فرضیه را ثابت کند یا پیکر رکن‌آبادی را تحویل دهد، فرضیه ربایش او به‌عنوان فرضیه امنیتی قویا قابل پیگیری است. بنابراین درحال‌حاضر فرض شهادت ایشان پذیرفته نیست مگر عکس آن ثابت شود. بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی در مجلس، در جلسه دیروز نیز گفت: بدون تردید دولت عربستان و برگزارکنندگان این مراسم مهم جهان اسلام در این فاجعه مقصرند و باید در برابر جهان اسلام پاسخ‌گو باشند. همچنین بروجردی عنوان کرد تا زمانی که وضعیت افرادی مانند رکن‌آبادی، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در لبنان، مشخص نشود مسئولیت با دولت عربستان است. به‌گفته رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، زمینه‌هایی مانند اقدامات اجتماعی، امنیتی و سیاسی در مورد ایشان یک فرضیه جدی است.

شفیعی ادامه داد: رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در این جلسه بر ضرورت تشکیل کمیته حقیقت‌یاب اسلامی تأکید و اظهار کرد که دولت عربستان به‌لحاظ مقررات بین‌المللی موظف است با این کمیته برای روشن‌شدن ابعاد این فاجعه همکاری کند. قشقاوی، معاون کنسولی و امور ایرانیان وزارت امور خارجه، نیز یادآوری کرد که ما به‌عنوان مسئولان جمهوری اسلامی فاجعه منا را پیگیری خواهیم کرد. به گزارش ایرنا، حسن قشقاوی با بیان اینکه ما در مذاکراتمان با طرف سعودی گفتیم در منا شاهد بی‌تدبیری شما بودیم، تصریح کرد: متأسفانه مأموران سعودی در منا چهار ساعت به ما اجازه ندادند بالای سر جنازه‌های خود در منا برویم و حتی آب هم به حجاجی که زیر دست و پا افتاده بودند ندادند. دوم مهرماه مصادف با عید قربان، چندین‌هزار نفر از زائران بیت‌الله‌الحرام که برای انجام اعمال رمی جمرات عازم منا شده بودند، به علت انسداد مسیر و تجمع بیش‌ازحد، زیر تلی از یکدیگر قرار گرفتند و بر اثر گرما و تشنگی جان خود را از دست دادند. روز گذشته یکی دیگر از پرسنل وزارت‌خارجه که در حادثه منا، جان باخته بود، در تهران تشییع شد. درهمین‌حال هنوز از وضعیت غضنفر رکن‌آبادی، سفیر سابق ایران در لبنان، خبری در دست نیست.جواد ظریف، وزیر خارجه، نیز اظهار امیدواری کرد که رکن‌آبادی به سلامت به کشور بازگردد. او تأکید کرد: احساس می‌کنیم که دولت عربستان و مسئولان حج در دولت سعودی مسئولانه و جدی برخورد نکرده‌اند و اقدامات مناسب برای نجات جان حجاج انجام نداده‌اند. خبرگزاری تسنیم روز گذشته خبر داد پایگاه اطلاع‌رسانی بعثه مقام معظم رهبری به‌منظور تهیه مستند جامع از این فاجعه فراخوان عمومی اعلام کرد. مدیر پایگاه اطلاع‌رسانی بعثه مقام معظم رهبری گفت: از حجاج، کارگزاران، عوامل اجرائی، مدیران، روحانیون و افرادی که در این فاجعه حضور داشته‌اند درخواست می‌کنیم، تصاویر و فیلم‌های خود در این‌خصوص را برای جمع‌آوری بانک جامع و ثبت تاریخی ارسال کنند تا بتوانیم از راه‌های قانونی و دیپلماسی پیگیری‌های لازم را انجام دهیم.

دینِ تیتری در زندگی سامان به وجود نمی‌آورد

ادامه از صفحه ۶

این‌طور آدم‌ها مثل آن منافق‌های پررو نیستند که رُک‌وراست بگویند ما از اول هم دروغ می‌گفتیم! چون اینها از اول که دروغ نمی‌گفتند، اما به اینجا که می‌رسد شروع می‌کنند به بهانه‌گیری‌کردن و بهانه‌گیرها در نهضت‌ها و جنبش‌های عظیم غالبا از این گروه برمی‌خیزند، یعنی گروهی که گرایش قبلی آنها دروغین نبود، اما گرایشی سطحی بود، عمق و ریشه نداشت و از درون عوض نشده بود. آن‌وقت با این بهانه‌گیری‌ها شروع می‌کنند چپ‌وراست‌رفتن و از راه راست لغزیدن؛ پس قرآن به آنها می‌گوید: فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا ان اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

اگر بعد از اینکه این دلایل روشنگر آمد باز هم دچار لغزش شدید، بدانید که اولا خدا باعزت، بلندمرتبه و ارجمند است و احتیاجی هم به شما ندارد. ثانیا خدا کاردان است، کارهایش روی حساب است و برای چنین مردمی فرجام خوبی مقرر نکرده است. این مردم هم مانند آن مردم دروغگو دچار عاقبتی پررنج و شکنج هستند، با این تفاوت که آن مردم دروغگوی دروغ‌زن لااقل ممکن است کم‌وبیش در نتیجه‌گیری از دام‌هایی که زیرکانه گسترده بودند توفیق‌هایی داشته باشند، اما این بندگان خدا چنین توفیقی را هم ندارند و به اصطلاح معروف «چوب دوسر طلا» هستند!

بنابراین خاصیت واقعی اسلام زمانی نشان داده می‌شود که اسلام، واقعیت انسان‌ها را عوض کرده باشد و ما را انسانی حق‌پرست کرده باشد. من خواهش می‌کنم که دوستان نسبت به این حق‌پرست‌بودن تکیه‌شان را از دست ندهند، چراکه آزمایش خوبی است؛ یعنی هرجا انسان با حقی روبه‌رو شد، هرچند خیلی تلخ، ولی توانست آن را بپذیرد، بداند به همان اندازه اسلام در او نفوذ کرده است؛ این یعنی اسلام واقعی.

اما در اسلامِ به معنای «تیتری و عنوانی»؛ اسلام عنوانی خودبه‌خود یک اثر بیشتر برای جامعه ندارد؛ یعنی یک سلسله سنت‌ها و عادات دست‌وپاگیر که آدم در زندگی می‌بیند. از چپ که می‌رود یک مزاحم دارد، از راست هم که می‌رود می‌بیند مزاحم دارد؛ آن مزاحم هم دین اوست! چراکه آنچه او دارد دین نیست، آنچه او دارد عبارت است از یک اسلام تیتری و عنوانی و این تیترها و عنوان‌ها [هستند که] غالبا مزاحم‌اند.

مثالی می‌زنم: خیلی از این اشراف، یعنی کسانی که خود را منتسب به خانواده‌های بزرگ می‌دانند و برای خود نوعی ارزش و مکانت اجتماعی ناشی از وابستگی به فلان خانواده قائل هستند، از این وابستگی اشرافی جز خسارت [عایدی] ندارند؛ چراکه فلان آدم که منتسب به فلان خانواده اشرافی هم هست شاید ماهی بیش از پانصد تومان هم درآمد نداشته باشد، اما از خانه که بیرون می‌آید، اگر رفتگر محل از هر خانه دو تومان می‌گیرد، از خانه این آقا ۱۰ تومان می‌گیرد، به این دلیل که او از اشراف است. در مجالسی که مردم عادی شرکت می‌کنند این بنده‌خدا محروم است و نمی‌تواند برود، به این دلیل که مردم عادی در این مجالس، هر جایی که پیدا کنند می‌نشینند اما این آقا چون از اشراف است، انتظار دارد در هر مجلسی که شرکت می‌کند جای محترمی به او بدهند و چون از اشراف توخالی هم هست و بیش از عنوان چیزی ندارد، کسی کاه هم به آخورش نمی‌ریزد و جای حسابی به او نمی‌دهد! بنابراین این آدم از رفتن به این مجالس به کل محروم می‌شود و از این بهره‌مندی اجتماعی هم چیزی گیرش نمی‌آید. این به دلیل آن اشرافی‌گری تیتری و عنوانی است. اگر خرید هم بخواهد بکند، در جایی که ممکن است دیگران چانه‌ای هم بزنند و از فروشنده تخفیفی بگیرند، به این آقا که می‌رسد فروشنده می‌خواهد جنسش را ۱۰ درصد هم گران‌تر به او بدهد و اگر چانه بزند می‌گویند آقا! جنابعالی!؟ شما دیگر چرا!؟ بنابراین نصیب این‌گونه افراد از این تیتر و آن عنوان یک چیز بیشتر نیست؛ آن هم محرومیت‌ها و بارهای اضافی از چپ و راست است.

اسلام عنوانی خودبه‌خود یک اثر بیشتر برای جامعه ندارد؛ یعنی یک سلسله سنت‌ها و عادات دست‌وپاگیر که آدم در زندگی می‌بیند. از چپ که می‌رود یک مزاحم دارد، از راست هم که می‌رود می‌بیند مزاحم دارد؛ آن مزاحم هم دین اوست! چراکه آنچه او دارد دین نیست، آنچه او دارد عبارت است از یک اسلام تیتری و عنوانی و این تیترها و عنوان‌ها [هستند که] غالبا مزاحم‌اند

دین تیتری هم درست همین‌طور است، یعنی نه تنها گره‌گشایی و سامان در زندگی به وجود نمی‌آورد و عُرضه ایجاد سامان در زندگی ما را ندارد بلکه فقط نوعی پایبندی‌ها، محرومیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که رنگ بار در زندگی انسان دارد را بر آدمی تحمیل می‌کند و خاصیت دیگری ندارد. بارهایی که گاهی کشیدن آنها بسیار مشکل است، منتها وقتی این شرایط برای افراد عادی پیش بیاید چاره‌ای جز سوختن، ساختن و بارکشیدن و رنج‌بردن ندارند، با این تفاوت که برای عده دیگر، همین که فرصتی پیش بیاید که این بار اضافی را از شانه بیندازند، آن را می‌اندازند، فرار می‌کنند و می‌روند.

بنابراین، واکنش افراد در برابر اسلام تیتری دو گونه است؛ گاهی برای عده‌ای بارکشیدن است و سوختن و ساختن، ولی برای عده‌ای دیگر، این‌گونه است که به محض پیش‌آمدن شرایطی که ببینند می‌شود این‌بار را انداخت، آن را می‌اندازند و فرار می‌کنند و بدانید اسلام تیتری محال است غیر از این اثری داشته باشد. این نوع دینداری نمی‌تواند سامان دهد. درست برعکس، اسلام واقعی جز سامان‌دادن چیز دیگری ندارد. یعنی اگر قیدوبند هم به انسان می‌زند، محدودیت‌هایی است که انسان می‌بیند آن محدودیت‌ها در سامان‌دادن به زندگی او نقش دارد لذا صمیمانه آنها را می‌پذیرد و از آنها استقبال می‌کند. محرومیت است، اما از آنها استقبال می‌کند و برای او بار نیست. بنابراین، قرآن خطاب به مردمی که اسلام تیتری برایشان به صورت یک بار درآمده که پی بهانه‌ها می‌گردند بلکه بشود این بار را از روی دوششان بیندازند و راحت شوند، می‌گوید این‌قدر بهانه‌گیری نکنید. از بنی‌اسرائیل بپرسید! ما چقدر معجزات روشن به وسیله پیامبران برایشان فرستادیم؟ اما چون این معجزه‌خواهی صرفا رنگ بهانه‌گیری داشت آیا بر آنها اثری کرد؟ خیر، باز هم بی‌اثر بود.

در این زمینه، در یکی از جلسات گذشته تفسیر بحث‌هایی کردیم. حال ای پیغمبر! به این مسلمانانی که اسلام واقعی ندارند بگو، منتظر چه زمانی نشسته‌اید؟ منتظر روز قیامت؟ منتظر آن روزی که در آیات دیگر توصیف شده است که خداوند «فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ» می‌آید و کار از کار می‌گذرد؟ آیا منتظرِ آن هستید؟ اگر آن روز آمد که دیگر سودی برای شما ندارد. در آن روز که انسان دیگر راه پس و پیش ندارد. اگر گذاشته‌اید فقط آن روز اسلام شما اسلام واقعی باشد که آن روز شما دیگر چاره‌ای جز این ندارید که خودبه‌خود تسلیم حق باشید و چاره‌ای جز گردن‌نهادن به حق نخواهید داشت.

سپس در آیه آخر، قرآن نکته‌ای را می‌گوید؛ یکی از همان نکات آموزشی! عرض کردم برای آنانی که قرآن واقعیت روح آنها را دگرگون کرده است، تحمل محرومیت آسان است. یکی از این محرومیت‌ها که ممکن است عده‌ای از افراد مؤمن با آن مواجه باشند، محرومیت فقر است. محرومیتی که در خیلی موارد ممکن است دستشان به دهانشان نرسد. چون می‌خواهند معاش حلال داشته باشند، ممکن است درآمد کافی نداشته باشند یا اینکه درآمد دارند اما چون می‌خواهند آنچه از دستشان می‌رسد در راه خدا و در راه آنچه خدا بر عهده آنان گذارده انفاق کنند و در این راه پول خرج کنند، باید محدود و محروم زندگی کنند. تحمل این محرومیت برای آنان آسان است. حتی آن زمان که رفقایشان به آنان می‌گویند فلان‌کس هم‌کلاس تو بود، همکار تو بود، همراه تو بود، به میلیون‌ها رسیده و تو هنوز همان آب‌باریکه را داری؟! و می‌گویند که بله! این هم از آثار ایمان و پایبندی به دین! همیشه هشتشان گرو نه‌شان است. در اینجا تحمل این مطلب برای آن‌کس که فهمیده چه کار می‌کند، خیلی آسان است، زیرا درحالی‌که فهمیده است چه می‌کند، این کار را انجام داده است، نه اینکه نفهمیده باشد. او فهمیده است که دست به کارهایی که او را از راه حرام به تمتعات زندگی برساند، نزند. عقلش هم می‌رسیده، راهش را هم بلد بوده، اما اسلام واقعی و تسلیم حق‌بودن، گرایش به ثروت را در برابر گرایش به حق در او ضعیف و ناچیز کرده است. گرایش حاکم در او حق‌پرستی است. او دیگر مال‌پرست نیست. اشتباه نکنید، نمی‌خواهم بگویم اسلام همیشه با فقر و ناداری همراه است و کفر همیشه با دارایی و ثروت و بالعکس! خیر، پایبندی به ثروت، غیر از خود ثروت است. فقرِ دانسته، یعنی فقر انسانِ توانایی که می‌داند چه کار باید بکند و راه‌های ثروت را می‌داند اما [برای ماندن] در راه حق فقر را ترجیح می‌دهد، غیر از فقر یک آدم بیچاره ضعیفِ بی‌دست‌وپاست، این دو خیلی با هم فرق دارد. من الان از کسانی صحبت می‌کنم که به خاطر اینکه پایبند به حق بمانند، با محرومیت‌های مالی می‌سازند؛ آنها را می‌گویم. نه آنان که عُرضه ندارند و برای همین محرومیت مالی دارند. اصلا آنها موردبحث ما نیستند. در آن طرف هم کسانی را می‌گویم که اگر به دارایی و ثروتی رسیده‌اند در پرتو حق‌کُشی رسیده‌اند، وگرنه اگر کسی توانسته باشد با تلاش و کوشش صحیح، درآمدی داشته باشد، بر او حرجی نیست. نشانه آن هم انفاق است. نشانه آنجایی است که پای آزمایش پیش می‌آید که اگر بر عهده او واجبی پیش آید، باید دید چگونه عمل می‌کند؛ این نشانه‌اش است. اگر مال برایش معبود شده باشد، حسابش روشن است و اگر مال برایش وسیله عبادت شده باشد، باز هم حسابش روشن است. اینها با هم خیلی فرق دارند؛ مالی که انسان خودِ آن را می‌پرستد و مالی که انسان می‌خواهد به وسیله آن خدا را بپرستد. انسان خیلی روشن می‌تواند اینها را از هم تشخیص دهد. یک عده از مردمِ پایبند به حق، به دلیل پایبندی‌شان، در فقر به سر می‌برند. آن وقت کافران آنان را مسخره می‌کنند و می‌گویند: بله! این هم نتیجه مسلمانی و ایمان‌داشتن! ببینید زندگی آقا را! ببینید زندگی خانم را! اینجاست که مسلمانِ ازدرون‌عوض‌شده خیلی راحت راهش را می‌رود و می‌گوید: «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ».

برای کافران زندگی دنیا به‌عنوان آرایشی چشمگیر و هدف قرار دارد. تا جایی که مردمِ با ایمان مسلمان را به دلیل محرومیت‌های مالی و وضع بد مسخره می‌کنند، اما بدانید آنها که اهل تقوا و پروای از حق هستند، در روز رستاخیز و زندگی جاودان فوق اینها هستند، چراکه او می‌داند به چه دلیل با این فقر می‌سازد. او می‌داند به دنبال این فقر، زندگی جاودانه سعادتمندی است که خدا برای او مقرر کرده و راهش را دانسته می‌رود.

وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ. نه اینکه خدا نمی‌خواسته چیزی به این بنده باایمان بدهد! خیر. میدان زندگی انسان‌ها در این دنیا میدان تلاش‌هایی است که می‌تواند صرفا بازده این جهانی یا آن جهانی داشته باشد؛ همان چیزی که در آیات قبل آمد. گروهی از مردم کسانی هستند که می‌گویند خدایا! در همین دنیا به ما [نعمت‌هایت را] بده و در همین دنیا هم به آنچه می‌خواهند می‌رسند ولی گروه دیگر آنها هستند که می‌گویند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»[9] اینان هستند که «أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا»[10].

بنابراین با اینکه سنت روزی‌رسانی خدا، سنتی نیست که بخواهد مؤمن را محروم کند، اما ممکن است در زندگی روی خط و حساب محرومیت مالی هم باشد؛ این دو با هم فرق دارد. آن فقری است که مؤمن فقیر به دست خود، برای خودش درست می‌کند چون می‌خواهد روی خط و حسابی باشد که غنای جاودانی به دنبال داشته باشد، فقرِ ننگ نیست. فقری که عار و ننگ است آن است که ریشه در بی‌عرضگی و بی‌دست‌وپایی فرد داشته باشد. البته آن مایه عار و ننگ است. آدم بی‌عرضه‌ای که دستش به جایی نرسیده است. اما او آدم باعرضه‌ای است و می‌توانست با زیرپاگذاشتن یک حق و دو حق و سه حق به ثروت‌ها برسد، اما دانسته این کار را نکرد. این هم ننگ است؟! زهی افتخار! زهی افتخار! و چه افتخاری از این بهتر و بالاتر.

صدق الله العلی العظیم و الحمد الله و صلی‌الله علی سیدنا و آله طاهرین.

پی‌نوشت‌ها

[۱]. سوره بقره (۲): آیات ۲۰۸ - ۲۱۲.

[۲]. یعنی تسلیم در برابر حق.

[۳]. اما آنها باز هم به ایمان راستین و یقین حرکت‌آفرین نرسیدند و همچنان در حال عناد یا شک و تردید و چون و چرا ماندند.

[۴]. در اینجا بیشتر به نعمت هدایت و ایمان توجه شود.

[۵]. و چنین انسان کافر نعمت را به کیفر خود خواهد رساند.

[۶]. سوره بقره (۲): آیه ۱۵۶.

[۷]. سوره آل‌عمران (۳): آیه ۱۰۳.

[۸]. همان: آیه ۱۹۳.

[۹]. سوره بقره (۲): آیه ۲۰۱.

[۱۰]. همان: آیه ۲۰۲.

*** این مطلب از طریق بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی در اختیار روزنامه «شرق» قرار گرفته است.**

منهای پایتخت

امروز تشییع پیکر ۲ مدافع حرم در همدان

● **ایرنا؛ همدان:** روابط‌عمومی سپاه همدان از شهادت ستوان‌یکم پاسدار شهید مجتبی کرمی و مجید صانعی‌موفق، از مدافعان حرم در سوریه خبر داد. در اطلاعیه سپاه انصارالحسین با تبریک و تسلیت شهادت این شهدا، آمده است: ستوان‌یکم پاسدار شهید مجتبی کرمی و بسیجی دلاور مجید صانعی‌موفق از مدافعان حرم آل‌الله در حفظ و حراست از حرم حضرت زینب (س) و کمک و تقویت جبهه مقاومت اسلامی در جنگ تروریستی سوریه، به دست تروریست‌های داعشی به شهادت رسیدند. در ادامه این اطلاعیه آمده پیکر این دو شهید چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح از میدان امامزاده عبدالله، تشییع خواهد شد. پیکر این دو شهید مدافع حرم دوشنبه شب به پادگان سپاه ناحیه همدان منتقل شد و امروز در همدان تشییع می‌شود.

ادامه تحقیقات درباره تیراندازی به هیأت عزاداری در دزفول

● **ایرنا؛ دزفول:** حجت‌الاسلام صادق ابوهلال، رئیس دادگستری شهرستان دزفول گفت: تحقیقات درباره حادثه تیراندازی به هیأت عزاداری در شهر صفی‌آباد همچنان از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی ادامه دارد. در پی وقوع این حادثه، دستگاه قضائی به‌منظور سرعت عمل در رسیدگی و شناسایی و مجازات عوامل بازپرس ویژه‌ای برای این پرونده تعیین کرد و نیروهای امنیتی اطلاعات به‌دست آمده دراین‌رابطه را به‌صورت مستقیم در اختیار بازپرس ویژه قرار می‌دهند. او افزود: با تلاش نیروهای انتظامی و امنیتی اطلاعات خوبی به‌دست آمده و چند مظنون نیز دستگیر شده‌اند ضمن اینکه این پرونده به‌طور ویژه در دست پیگیری است و به محض اینکه اطلاعات به مرحله نهایی برسد از طریق رسانه‌ها به اطلاع مردم رسانده می‌شود. او همچنین ارتباط عوامل این جنایت با دشمنان خارجی را تأیید کرد و گفت: متاسفانه دو نفر از عزاداران حسینی مظلومانه کشته و دو نفر دیگر مصدوم شدند. او همچنین با بیان اینکه امنیت کامل در منطقه برقرار بوده و جای نگرانی نیست افزود: با تلاش نیروهای امنیتی و انتظامی هیأت‌های عزادار در امنیت کامل در سوگ شهادت سرور و سالار شهیدان به سوگواری پرداخته و برای روزهای تاسوعا و عاشورا نیز تدابیر امنیتی لازم در سطح شهرستان دزفول پیش‌بینی شده است.

LEON

Since 1960

Respecting you is our business.

نگاهی نو، خلاقیتی نو، خدماتی نوین

رستوران لئون شعبه نیاوران

خیابان دکتر باهنر(نیاوران)، بعد از مژده، پلاک ۴۰۶

تلفن: ۰۰ ۴۴ ۷۲ ۲۲

www.leon1960.com

higroupplus.com